

به نام خداوند جان و خرد

بهترین راه رهایی

منوچهر یزدی



سرور منوچهر یزدی تاریخدان و محقق بزرگ مکتب پان ایرانیست

تنها راه رهایی عنوان مقاله ای بود از دکتر محمد ملکی که در " عصر نو " چاپ و منتشر شد .

نویسنده - تنها راه رهایی ملت ایران را از چنبره استبداد فراهم ساختن زمینه یک فراخوان ملی دانسته آنهم از نوع رفراندومی که ایشان با چند تن دیگر امضا و عرضه کرده اند .

براستی این آلزایمر تاریخی عجب درد بی درمانی در جامعه روشنفکران ما شده است دردی کهنه که نه تنها صاحبان این بیماری را رنج میدهد بلکه اسباب زحمت مردمی را فراهم ساخته که سالهاست از دار و دسته شریعتی و طالقانی و گلسرخی و ابراهیم یزدی و همه آن روشنفکرانی که به جنگ اقتدار ملت ایران رفتند عبور کرده اند و بر اندیشه آزادیخواهان ملی و مذهبی که فروپاشی اقتصادی و سیاسی ایران را به ارمغان آوردند خط بطلان کشیده اند .

این آقایان باید بدانند نسخه دکتر شریعتی از آغاز درمان کننده درد ایران نبوده و نیست زیرا منطبق با ساختار جان و روان ملت ایران نمیشد و تزریق این دارو که با سرنگ آلوده به ویروس بریتانیا انجام شد بیمار را از پای در آورد و روشنفکران ملی و مذهبی و نهضت آزادی بر آن نماز میت خواندند و آقای دکتر ملکی هم در صف اول نماز ایستاده بودند... اعدام ارتش ، ایجاد جوخه های اعدام و تشکیل کمیته های پاکسازی و بالاخره تهی ساختن کشور از اقتدار نظامی و فرهنگی و اقتصادی و تقویت پایگاههای دشمن در پشت جبهه ها از کمترین اقدامات آقایان بود ... و در این وانفسای انقلاب آقای دکتر ملکی هم در سمت ریاست دانشگاه تهران اساتید و اربابان علم و اندیشه را از پایگاه دانش و بیشش میراندند و فروپاشی کانون علم و ادب را وجهه همت خود قرار داده بودند . اینک پس از چند ماه استراحت در کانادا و آمریکا و دیدار با امضا کنندگان رفراندوم سازگارا و یاران ۶۰ میلیون دات کام و تمدد اعصاب و با کمی تاسف از عدم توفیق حضور در کنگره آمریکا برای بیان مانیفست جدید

، به ایران مراجعت نمودند البته و صد البته دست خالی و بدون سوغاتی برنگشته اند ... ره آورد ایشان از این سفر ، طرح رفراندوم به عنوان (تنها راه رهایی) میباشد غافل از آنکه یاران اولیه این سوغاتی ترک وطن فرموده اند و پس از عبور از دروازه لندن در کشور دشمن دیروزی و دوست گرامی امروزی رحل اقامت افکنده و در پناه حمایت های بیدریغ شیطان بزرگ به هم آوایی با طالبان حمله به ایران و یا تحریم کنندگان ملت ایران پرداخته و با فکل و کراوات و شیک و تمیز از بلندگوی صدای آمریکا به مبارزات سیاسی خود ادامه میدهند

برای شناخت تحفه بسنه بندی شده آقای دکتر ملکی و درمان بیماری آلزایمر ایشان به تشریح یا کالبد شکافی آن میپردازیم :

آقای سازگارا پس از ورود به جرعه اقتصاد مافیایی و بند و بست های دوران سازندگی ایران را بقصد لندن ترک نموده و سپس به آمریکا تشریف بردند و همه جا با آغوش باز اصحاب دموکراسی روبرو شدند و هم اکنون استاد دانشگاه هاروارد و مشاور و سخنگوی صدای آمریکا میباشند.

آقایان علیرضا افشاری و اکبر عطری دو تن از دانشجویان دفتر تحکیم وحدت به آمریکا فراخوانده شدند و در رشته فراخوانی به ادامه تحصیل و کسب فیض از اساتید مرکز مطالعات و تحقیقات و تدوین راهبرد های آمریکا مشغول و هر چند گاه یکبار برای آزمون به پای تریبون صدای آمریکا احضار میشوند تا علم فراخوانی ملکه ذهن ایشان گردد.

سرکار خانم فاطمه حقیقت جو پس از اجرای چند شوی پارلمانی و رسانه ای نیز به سرزمین موعود فراخوانده شدند و هم اکنون با دریافت هدیه ناقابل بورس تحصیلی از دانشگاه (ام ای تی) در فضای امن و بدون تنش و پر از دموکراسی به ادامه تحصیل مشغول اند تا سلامتی و با سرافرازی در وقت مناسب به میهن باز گردند و به اشاعه آزادی از نوع آمریکایی و بسیار مدرن بپردازند ..

سرکار خانم مهرانگیز کار که از بانوان انقلابی و از پیشتازان نهضت زن اسلامی بودند و همراه با خانم شیرین عبادی زودتر از همه خانمها با زیور مقدس اسلامی در صف مقدم انقلابیون گام برمیداشتند با ترک خانه و کاشانه و رها کردن همسر بیمارش آقای سیامک پورزند ادامه مبارزه را در ایران سازگار با مزاج شریف شان ندیده به قصد معالجه و مبارزه و مکاشفه و مباحثه به سرزمین موعود مهاجرت فرموده و مبارزه با استبداد را به شهروندان عزیز و بسیار گرمی در ایران واگذار نمودند تا دیگر هوس انقلاب ننمایند.

و اما جناب آقای ملکی که پس از انجام رسالت پاکسازی دانشگاه و حذف و هدم ارباب علم و دانش و به پیروی از فرامین گهربار علی شریعتی حال که ابن سینا ها و ابن رشد های زمان را به مسلخ بردند، آوردن ابوذر را تدارک دیدند که ناگهان آنقدر ابوذر در صحنه ظاهر شدند که آقای دکتر ملکی در میان سپاه ابوذر گم شد و جندی بعد توسط یاران انقلابی خود به هتل اوین هدایت گردیدند و از مواهب و خوراک ویژه بنام (رو کم کنی) برخوردار شدند.. من نمیدانم چه عاملی سبب شد که مورد بی مهری یاران انقلابی قرار گرفتند و با اینکه در آغاز انقلاب به هنگام کسب غنائم آقای ملکی کتابی برشته تحریر در آوردند بنام (شورا در اسلام) و در آن برای تعریف و توجیه واژه امام رنج فراوان بردند و در سراسر کتاب از پیر و مرشد خود دکتر شریعتی بسیار اقتباس فرمودند و به هر حال سنگ تمام برای واژه های (امام) و (امت) گذاردند و قلم مبارک را خالصانه در خدمت اجرای موازین و احکام اسلامی قرار دادند ولی عناصر قدر ناشناس و دوستان فرصت طلب ملی - مذهبی قدر این گوهر را ندانستند.

آقای ملکی پس از استراحت کافی در اوین به خانه پدری بازگشتند و با اعتماد بنفس فراوان پرچم اصلاحات را بدست گرفتند و پشت قامت رعناى آقای محمد خاتمی به سینه زنی پرداختند... اما در این پایگاه نیز طرفی نبستند و بویژه که دریافتند آب زلال اصلاحات سرابی بیش نبود و آنگاه سرخورده

از انقلاب و اصلاحات و مایوس از دسترسی به ابوذر زمان عزم سفر به دیار یار فرمودند و با تنظیم ادعا نامه ای به سوی کنگره آمریکا روانه شدند تا شکایت اوضاع خود ساخته را نزد ارباب زور و تزویر ببرند. گرچه به هنگام سفر اذهان را با جنجال ممنوع الخروجی به انحراف کشیدند ولی ناگهان بی سروصدا سر از کانادا در آوردند. که از شانس بد به نشست کنگره نرسیدند ... اما لذت دیدار با دوستان، خستگی را از تن خسته ایشان بدر آورد. دوستان به آقای دکتر ملکی دلداری های لازم را دادند و وعده فرمودند که راه نجات و رستگاری در این دنیا و در آخرت همین بسته ای است که ایشان باید آن را به ایران ببرید و روی آن کار کنید و آن چیزی نیست جز (رفراندم تنها ره رهایی) و اما در پایان توصیه من به شما آقای ملکی اینست که با توجه به کارنامه سیاسی سیاه ملی - مذهبی ها و بویژه خدمات درخشانان در دانشگاه تهران کار آزاد سازی ملت ایران را رها کنید زیرا (بهترین راه رهایی آنست که شماها ملت ایران را رها کنید) ما خود قادریم بر ویرانه هایی که بجای گذاردید سازندگی را آغاز کنیم. و

تهیه و تنظیم: جوانان پان ایرانیست کرمان

نشانی تارنا: WWW.Panskeper.bogfa.com

نشانی رایانامه: Panskeper@Yahoo.com